

تاریخ حیوانات

اکسانا تیموفیوا مترجم: قاسم مؤمنی



فهرست مطالب

۹	سپاسگراری
۱۱	پیشگفتار
۱۹	مقدمه (اسلاوی ژیتزک)
۲۵	۱ ادیپ اسب
۴۱	۲ در پیش قانون
۵۵	۳ دیوانه
۶۹	۴ بی‌امیت، مضطرب و ناحشود
۱۰۵	۵ حیوانیت عاطل
۱۲۱	۶ دیالکتیک ماهی
۱۳۱	۷ شان هستی
۱۴۳	۸ حیات فقیر
۱۶۹	۹ کتاسامه
۱۷۷	۱۰ نمایه

۱ ادیب اس

ارسطو در کتاب *بهم تاریخ حیوانات* به توصیف ویژگی‌های حیوانات می‌پردازد. طبقه‌بندی بیروی اسارگسیخته حیات طبیعی، آن‌هم در قالب نظامی علمی متنی بر نارمایی، مستلزم توجه موشکافانه به حرئیات است، حتی اگر این حرئیات بعید یا بی‌اهمیت به نظر برسند. مأخذ شاحتِ ارسطو درباره رفتارهای حیوانات صرفاً محصول مشاهدات نیست و افسانه‌ها، شایعات، خاطرات و داسان‌های نقل شده از افراد و شاهدان عیبی را بیز درمی‌گیرد بهره‌گیری از چنین مواد جام گسترده و متنوعی ملاحظات ویژه‌ای می‌طلبد بحسب ناید تمام حربیات و خصوصیات را پیش چشم داشت و از هر گونه ساده‌سازی، تقلیل یا ارابه‌نظر شتارده انتزاعی پرهیز کرد در دوره ارسطو، هور مقولات طبقه‌بندی به شکل دقیق مدون شده بود، ولی وجود داشت بعدها یکی از این مقولات را اسان نامیدند

حیوانات ارسطو واحد اعداد اسانی و آشکارا اسان‌گونه‌اند، نه از آن رو که در آن دوره اسان را برتر از کل حلقه می‌انگاشتند، بلکه به این خاطر که او را واحد درک بست به حویشتن می‌دانستند اسان فقط حرئی از جهان بست، او الگوی جهان‌شمول آن است ماقی موحودات، حتی عجب‌ترین و غیرعادی‌ترین‌شان، کمایش شاهت‌هایی به این الگو دارند و از پاره‌ای ویژگی‌های اسانی — اس و وحشت، لطف و خشوت، شحاعت و حس، حجب و اتکانه‌نفس — بهره‌مدند

حیوانات فقط اسان‌گونه نیستند، بلکه هر یک به شیوه خود از اسان تقلید می‌کنند البته عکس این صادق نیست پرستوبی که لانه می‌سازد در حقیقت از حابه‌ساختن

به‌طور کلی در زندگی حیوانات شاهت‌های بسیاری به زندگی انسان به چشم می‌خورد و به‌ویژه حیوانات کوچک‌تر هوشی برتر از حیوانات بزرگ‌تر دارند بحسب به‌عنوان نمونه‌ای در میان پرندگان، لانه‌سازی پرستو او برای آمیختن حاشاک به گل از همان نظم پیروی می‌کند [که انسان] ساقه گیاهان را به گل درمی‌آمیرد و اگر گل نباشد پره‌های خود را به آب می‌ریزد و خاک را به آن گل می‌کند او لانه به همان طریق می‌سازد که انسان [حبابه‌اش را] بحسب س لانه را با مواد سخت می‌بهد و سپس آن را در ابعاد خودش بنا می‌کند

در ایحا واژه «نظم» مهم است پرستو مانند انسان احتیاط می‌کند و از نظم پیروی در یک کلام، ارسطو معتقد است گیاهان و حیوانات و انسان‌ها همگی کار واحدی می‌کنند، فقط نه شیوه‌ای متفاوت گیاهان از حیوانات تقلید می‌کنند، حیوانات از انسان‌ها و انسان‌ها از حدایان، و همگی در زندگی خود از نظم واحد پیروی می‌کنند چنان که گویی پرده و انسان به یک سان در کار حفظ نظم واحدند و هر یک به سهم خود در حفظ نظم جهانی مبتنی بر عقلانیت می‌کوشند نه قول سیموندون، نوعی اتصال در جهان ارسطویی برقرار است که به تمام موجودات رنده آن تسری می‌یابد و تمام آنها را به پیروی از اصلی واحد وامی‌دارد و آن اصل حیات است

عادت به برد حیوانات نوعی تجربه است مشابه احتیاط به برد انسان‌ها یعنی کارکردی نظیر احتیاط به برد انسان‌ها دارد، هرچند حیوان به شیوه‌ای متفاوت با انسان آن را به احرا درمی‌آورد با نراس، حتی اگر پدیدیم — و چاره‌ای حر پدیرش نداریم — که طبق نظر ارسطو عقل محصر به انسان است و حصلت ویژه انسانی است، دسالة آن و کارکردهای مشابه آن را به انحای متفاوت در میان مراتب گوناگون موجودات رنده شاهدیم

ژیلبر سیموندون در دو درس درباره حیوان و انسان اصل حیات را اصل ثابت نظریه ارسطو درباره عملکردهای ریستی می‌داند و خود اس فرصیه اصلی به نظریه ارسطو حصلتی اساساً علمی می‌بخشد (در حالی که آرای

متفکران پیش از او درباره طبیعت هور تمایز روشی با اسطوره‌پردازی ندارد) ولی ذکر این نکته لازم است که این علم هور از حس جهان‌بینی‌های کل‌نگر است و در چارچوب کلیت نظامی متافیزیکی معنا می‌یابد نه همین دلیل است که حتی پدیده حرثی و کوچکی نظیر لانه‌سازی پرستو را به‌سان نمودی از ساحار کل جهان می‌بیند در این بطریقه، آنچه تمام مراتب هستی را به یکدیگر پیوند می‌دهد و اسباب تبادل میان آنها را فراهم می‌سازد تقلید است حیوانات، انسان‌ها و گیاهان همگی در کاربرد با نتیجه واحد و معطی حاصل شود و آن حفظ نظم کیهان است به‌عنوان نمونه تهیت فیل به شاه را بنیید «فیل رام‌ترین و نحیب‌ترین حیوان وحشی است، ریرا بسیاری چیزها هست که هم می‌فهمد و هم می‌آمورد حتی می‌آمورد چگونه در برابر شاهان رانو برید» هر موجودی به طریقی سهم خود را در حفظ نظم و سلسله‌مراتب جهان ادا می‌کند و در این سلسله‌مراتب احرام سماوی الهی — حورشید، ستارگان و سیارات — حتی از انسان بزرگ‌ترند چنان که ارسطو در احلاق نیکوماخوس می‌گوید «این ادعا که آدمی عالی‌ترین موجودات رنده است سحی بی‌معنی است، زیرا دوات دیگری هستند که بسیار برتر و الهی‌تر از آدمیان‌اند مثلاً در میان موجودات مرئی، ستارگانی که آسمان از آنها تشکیل می‌یابد» در نظام ارسطویی، موجودات هیچ کوشش خاصی برای شرکت در این آرمان مشترک صرف نمی‌کنند، بلکه صرفاً در حای معین خود قرار می‌گیرند و به شیوه‌ای ارایش تعیین‌شده به اقصای طبیعت خود عمل می‌کنند این نظم را انسان میان امور برقرار نکرده است، بلکه اقصای حایگاه انسان این است که معیار مانقی امور باشد هر کس به شیوه خود به قوانین و ماهی این نظام — که نمودی کاملاً انسانی دارد — گردن می‌بهد

در فصل چهل و هفتم تاریخ حیوانات، به دو حکایت حالت توحه برمی‌خوریم شتر بر پشت مادر خود نمی‌رود و حتی اگر وادار به این کار شود سر نازمی‌رند گفته‌اند رمایی شتریان چون بریان برای کشیدن نداشت، ساروق بر سر ماده انداخت [تا کره مادرش را شناسد] و کره را بر پشت مادر کشید پس از محامعت، کره از پشت مادر پایی آمد، اما پس از اندکی شتریان را چندان کوفت تا حان داد ایضاً نقل است که شاه سکاها را مادیان نژاده‌ای بود و مادیان را کره‌هایی همه پسندیده شاه بر آن بود که بهترین رادوولد را از مادیان پرورد و هم